

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

کیفیت تعلق زکات به دین

۱۱

سید یوسف امامی لنگرودی

سرشناسه: امامی لنگرودی، سید یوسف، ۱۳۵۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: کیفیت تعلق زکات به دین / نویسنده سیدیوسف امامی لنگرودی.
 مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۰۰-۹۱۲-۳۱۴-۶۰۰-۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۶۷ - ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: زکات -- Zakat -- احادیث -- Hadiths -- Zakat
 رده بندی کنگره: ۴/BP۱۸۸
 رده بندی دیوبی: ۳۵۶/۲۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۹۷۰۵۷
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

- نام کتاب: کیفیت تعلق زکات به دین
- نویسنده: سید یوسف امامی لنگرودی
- ناشر: میراث ماندگار
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- چاپخانه: وفا
- قیمت: ۹۸,۰۰۰
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۹۲۲-۰

مرکز پخش: قم، مجتمع ناشران، طبقه سوم، پلاک ۳۱۸

تلفن: ۰۲۵۳۷۸۴۲۳۹۸

چکیده

یکی از مسائلی که در عصر ما نیازمند تحقیق و بررسی است مسئله‌ی وجوب زکات بر دین است، چرا که امروزه، بسیاری از موارد زکات به صورت دین می‌باشد و عدم تبیین زوایای فقهی آن، و اینکه آیا در این شرایط زکات به دین تعلق می‌گیرد یا نه؟ موجب شده که زکات رویه‌ی کاهشی داشته باشد. به همین دلیل رساله‌ی حاضر با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، موضوع تعلق زکات به دین را مورد بررسی قرار داده و نتایج بحث بیانگر آن است که یکی از شروط تعلق زکات، این است که صاحب مال تمکن از تصرف داشته باشد. یعنی اینکه مال، غائب از مالک نباشد یا ودیعه، مدفون، مغضوب، مورد انکار و ... نباشد.

حال این بحث مطرح می‌شود که اگر مالک متمکن شد که مال را تخلیص کرده، آزاد کند، دو فرض متصور است:

- ۱) امکان تخلیص مال در صورتی که عین باشد؛
- ۲) امکان تخلیص مال در صورتی که دین باشد نه عین، یعنی مالی را به دیگران به عنوان دین و قرض داده است و دیگر در خارج نیست بلکه در ذمه‌ی مدیون است. در این خصوص اقوال متعددی مطرح شده است.

عده‌ای به طور مطلق که در واقع مشهور متأخرین می‌باشند، قائل بر عدم تعلق زکات به دین هستند. در مقابل، عده‌ای دیگر به تعلق زکات به دین مطلقاً فتوا داده‌اند که البته در میان امامیه قائلی برای آن یافت نشد. گروه دیگر هم قائل به تفصیل شده‌اند.

این قول دارای فروعی که به صورت سه گفتار آمده است و به بررسی آنها می‌پردازد و ادعا می‌شود قول به تفصیل اقرب به واقع است، و به نظر مختار، ادله‌ی قول اول، که قول به عدم تعلق زکات به طور مطلق است، آنچنان قوتی که باید ادله‌ی مشهورِ قدما که قول به تفصیل است را از حیث انتفاع ساقط کند، ندارد.

فهرست مطالب

۶	چکیده
۱۱	پیش گفتار
۱۵	مقدمه

فصل اول: مفاهیم و مطالبی مرتبط به آن / ۱۶

۱۷	گفتار یکم: زکات
۱۷	(أ) زکات در لغت
۱۹	(ب) زکات در اصطلاح
۲۲	(ج) پیشینه‌ی زکات
۲۴	(د) از مهمترین سند فقها برای تعیین اموال زکوی و مقدار آن
۲۵	(ه) وجوب زکات و موارد آن
۲۸	بررسی سندی روایت
۳۴	(و) گستره و دامنه زکات
۳۵	(ز) انواع زکات
۳۹	گفتار دوم: صدقه
۳۹	(أ) صدقه در لغت
۴۱	(ب) صدقه در اصطلاح
۴۱	(ج) نسبت بین زکات و صدقه
۴۳	گفتار سوم: مال
۴۳	(أ) مال در لغت
۴۴	(ب) مال در اصطلاح

۴۵ گفتار چهارم: ملکیت
۴۶ (أ) ملکیت در لغت
۴۶ (ب) ملکیت در اصطلاح
۵۰ (ج) نسبت بین ملک و مال
۵۱ گفتار پنجم: دین
۵۱ (أ) دین در لغت
۵۲ (ب) دین در اصطلاح
۵۴ گفتار ششم: قرض
۵۴ (أ) قرض در لغت
۵۵ (ب) قرض در اصطلاح
۵۵ (ج) نسبت بین دین و قرض
۵۷ گفتار هفتم: أجل
۵۷ (أ) أجل در لغت
۵۷ (ب) أجل در اصطلاح
۵۸ گفتار هشتم: استیفاء
۵۸ (أ) استیفاء در لغت
۵۸ (ب) استیفاء در اصطلاح

بخش دوم: حکم تعلق زکات به دین ۶۰

فصل اول: مقتضای دلیل اجتهادی درباره‌ی شمول حکم زکات به دین / ۶۰

۶۱ تبیین موضوع
۶۲ فصل اول: مقتضای ادله، درباره‌ی شمول حکم زکات به دین
۶۲ گفتار یکم: دلیل اجتهادی
۶۳ گفتار دوم: دلیل فقهاتی
۶۳ (أ) اصالة البرائة
۶۴ (ب) عدم جریان اصل احتیاط
۶۴ (ج) عدم جریان اصل استصحاب

- ۶۴ (۱) دلیل اجتهادی.
- ۶۵ (۲) ظنون غیر معتبره (امارات).
- ۶۶ (۳) دلیل فقهاتی.
- ۶۷ **فصل دوم: اقوال و وجوه در مسئله و بررسی آن در سه گفتار**
- ۶۸ گفتار اول: عدم تعلق زکات به دین مطلقاً.
- ۶۸ دلیل اول: آیات.
- ۷۶ دلیل دوم: روایات.
- ۷۶ جایگاه رجالی روایات حدیث.
- ۱۱۷ گفتار دوم: تعلق زکات به دین مطلقاً.
- ۱۱۷ (أ) استدلال به روایات زکات «دین، مهریه و ودیعه».
- ۱۲۸ (ب) وجوب زکات بر پول.
- ۱۳۲ (ج) زکات برای رفع نیاز فقرا.
- ۱۴۱ (د) مناسبت حکم و موضوع.
- ۱۴۲ (ه) اشعار وصف «نقدین» به علیت.
- ۱۴۳ (و) صدق درهم بر پول های فلزی غیر نقره.
- ۱۴۹ (ز) قاعده‌ی الزام.
- ۱۵۰ (ح) تعلق خمس بر مال قرضی و دلالت آن بر تعلق زکات بر دین.
- ۱۵۳ (ط) تعلق زکات به نقدین.
- ۱۵۶ (ی) مستند فقها به وجوب زکات طلا و نقره.
- ۱۶۱ (ک) جلوگیری از کنز.
- ۱۶۷ (ل) تبدیل موضوع.
- ۱۶۸ (م) گسترش معنای نقدین از باب العای خصوصیت.
- ۱۷۱ گفتار سوم: قول به تفصیل.
- ۱۷۲ تفصیل اول: قدرت بر اخذ.
- ۲۳۲ چکیده.
- ۲۳۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

پیش گفتار

از مهمترین اهداف - اجتماعی، انسانی - پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین و انگیزه‌های بعثت آنان و آوردن شرایع الهی، آن است که مردمان قسط و عدل را بر پای دارند «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۱ - (ما پیامبران خویش را با آیات آشکار فرستادیم، و با ایشان کتاب و میزان فرود آوردیم، تا مردم عدالت را بر پای دارند). پس شریعت های الهی آمده‌اند تا جامعه‌ای بسازند انسانی که جز عدالت چیزی نشناسد و این هدف بزرگ تنها با از میان بردن دو امر صورت پذیر می‌شود: «استکبار و استضعاف اقتصادی» و سپس پدید آوردن يك نظام معیشتی متعادل و از این راه است که «حضور دین در جامعه» آشکار می‌شود، زیرا که «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ»^۲ (با اقامه عدل است که احکام دین زنده می‌ماند).

عدل و قسط تنها با تعادل هم سطحی تحقق می‌یابد؛ اموال و امکانات هنگامی که به شکلی سالم مورد بهره‌برداری قرار گیرد، و عادلانه در میان مردم توزیع شود، پشتوانه‌ی يك زندگی با فضیلت اسلامی خواهد شد همان طور که خداوند تعالی مقرر کرده است و از هیچ گونه بهره‌برداری و توزیع دیگری این نتیجه حاصل نخواهد گشت.

افراط و تفریط اقتصادی یعنی «تکاثر»^۳ و «فقر»، زندگی انسانی را از استواری می‌اندازد و آن را به سقوط می‌کشاند؛ دو مفسده‌ای که حیات انسان و بقای اسلام و هستی مسلمانان را تهدید می‌کند.

توجه اکید به مسائل اقتصادی و امور معیشتی انسان، بدین صورت جدی که اسلام به آن

۱. «سوره حدید» (۵۷): ۲۵.

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق. / ۳۰: نیز - فصل ۴۷، از باب ۱۲ (جلد ششم)

۳. تکاثر ویژه و اصطلاحی است قرآنی، یعنی: «به داشتن مال بیشتر و فرزندان افزونتر نازیدن

پرداخته، یکی از ویژگیهای این دین الهی است که هم‌عنان با واقعیت و قوانینی طبیعی - که خدا اشخاص و اشیاء را بر مبنای آنها آفریده است - حرکت می‌کند.

انسان، بنابر آفرینش و غریزه‌های خویش، به اسباب معاش و لوازم مادی زندگی نیازمند است، و بدون آنها نمی‌تواند در هیچ بخشی از زندگی يك گام بردارد.

از این رو دین آسمانی برای معاش او سخت اهمیت قائل می‌شود و برای تأمین نیازمندی‌های او برنامه‌ریزی می‌کند، و مال را مایه «قوام» و تداوم زندگی، و نان را از اسباب برپاداشتن نماز و روزه و حج و دیگر واجبات می‌داند و می‌گوید: «لَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ،^۱ اگر نان نبود ما نمی‌توانستیم روزه بگیریم و نماز بخوانیم و واجبات الهی را به جا آوریم»؛ و بدینسان نان را ستون فرائض می‌شمارد؛ پس دینداری (و عمل به احکام دین) بدون نان (و هزینه زندگی) پایدار نخواهد بود. آری: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»،^۲ نزدیک است فقر به کفر منتهی شود.»

این امری است محرز، زیرا که در دین اسلام تعلیمات فراوانی در باره‌ی قضایای مالی و اقتصادی و تأمین هزینه‌های زندگی مردم و از میان بردن محرومیت از درون جامعه و فراهم آوردن سطح معیشتی نزدیک به يك دیگر برای عامه مردم آمده است.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره‌ی تقسیم الهی اموال در میان همه توده‌ها چنین می‌فرماید: «إِنَّ الْمَالَ مَقْسُومٌ مَقْسُومٌ لَكُمْ، قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ، وَصَمْتَهُ، وَسَيَفِي لَكُمْ»^۳ (به درستی که مال تقسیم‌گشته و برای همه تضمین شده است و خدای عادل آن را در میان شما قسمت کرده و برای شما ضمانت کرده و البته به آن وفا می‌کند).

این سخن می‌رساند که همه در تقسیم الهی شریکند و سهمی دارند. بنابراین هر کس

۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْخَثَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلَّهِمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تَفْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صَمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ / الكافي ج: ۶، ص: ۲۸۷

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج: ۲، ص: ۳۰۷

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الكافي (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق. ج: ۱، ص: ۳۰

سهمش به او نرسد، جز غصب غاصبان و سهل انگاری و ناتوانی آنان که باید در این موارد اقدام کنند، علتی نمی‌تواند داشته باشد و اینکه در سخن امام صادق علیه السلام وصف به کار رفته است یعنی «عادل» (قَسَمَهُ عَادِلٌ يَتَنَكَّمُ) و فعل «قَسَمَ» به وصف (عادل) اسناد داده شده است، دلیل بسیار روشنی است بر مفهوم علیّت و ضرورت رعایت عدالت در تقسیم، زیرا تقسیم‌کننده عادل است و جز به میزان عدالت تقسیم نخواهد کرد. و چون «تکثیر» و «فقر» هر دو از عدالت دور است و هر دو ظلم است، و خداوند متعال محال است به کسی ظلم کند، بنابراین، ظلم از خود مردم پیدا می‌شود، و این خودِ مردمند که برخی بر برخی دیگر ظلم می‌کنند و سهم آنان را می‌برند و ثروتمندان حق سائل و محروم را پرداخت نمی‌کنند.

آنچه اسلام با تأکید درباره‌ی آن سخن گفته، این است که محروم بودن محرومان و گرسنگی گرسنگان و برهنگی برهنگان و نیازمندی نیازمندان و بینوایی بینوایان، معلول قضا و قدر الهی نیست، زیرا که خداوند مردم را آفریده و برای آنان روزی و آنچه زندگی ایشان به آن وابسته است فراهم ساخته و بیان داشته است: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (ما امکانات زندگی در این جهان را در میان مردمان تقسیم کرده و برای همگان سهمی قرار داده‌ایم).

تأکید پیامبر اسلام و امامان معصوم علیهم السلام نیز بر این نکته به روشنی آمده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَلَمْ يُزَكِّهِ، يُبَشِّرُهُ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ مَلِكٍ بِالنَّارِ. إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ أَرْزَاقَ الْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ، فَإِنْ جَاعُوا وَ عَرُوا، فَيَذَنِبُ الْأَغْنِيَاءُ وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَبِّهُمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ»^۱ (هر کس مال داشته باشد و زکات آن را نپردازد هر روز هزار ملک وعده آتش به او می‌دهند. خدا روزی تهیدستان را در اموال ثروتمندان قرار داده است، پس اگر گرسنه و برهنه بمانند، سبب آن گناه ثروتمندان است و این حق خداوند است که آنها را به صورت در آتش جهنم بیاندازد).

۱. زخرف / ۲۲

۲. توری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص: ۲۴